

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

دیروز عرض کردیم که مرحوم آقای حکیم (قدس سره) در این مسئله محل بحث، معیاری را ارائه داده، که این معیار را بزرگان دیگری هم پذیرفته‌اند، که هر اثری که سبب آن، در زمان تقلید اول هست، بر همان تقلید اول باید باقی بماند، اما آن اثری که مربوط به اسبابی است که در زمان تقلید دومی واقع می‌شود، باید بر طبق تقلید دوم عمل کنند و عرض کردیم که بین این معیاری که ایشان داده و آنچه که مرحوم سید (ره) عنوان کرده‌اند فرق وجود دارد و فرقی را هم بیان کردیم.

نکته‌ای که وجود دارد این است که طبق تصریحی که خود ایشان در مثال مسکر بیان کرده، که اگر مسکری در نزد شخصی باشد و مجتهد اول فتوا به طهارت بدهد، در نتیجه مقلد هم احکام طهارت را جاری می‌کند، اما بعد رجوع می‌کند به مرجعی که فتوای به نجاست می‌دهد، لذا باید مجدداً از همین مسکر اجتناب کند.

ایشان فرموده‌اند: وقتی حیوانی که مذبوح به غیر حدید است، بنا بر فتوای مجتهد اول عنوان مذکی را دارد، این دیگر تذکیه شده، لذا بعداً هم باید آثار تذکیه را بر آن بار کرد، اما مرحوم سید (ره) در اینجا فرموده‌اند: اگر در زمان مجتهد اول این حیوان را به غیر حدید تذکیه کرده، بعد که مجتهد اول فوت کرد و سراغ مجتهد دوم آمد که می‌گوید: باید ذبح با حدید باشد، دیگر حق استفاده کردن از این حیوان را ندارد، نه جواز الاکل دارد و نه جواز البیع.

تردید استاد محترم در مثال مسکر

ما در همین مثال مسکر هم تردیدی داریم که چطور می‌شود یک مسکر و مایع خارجی، مثلاً در زمان مجتهد اول دست راستم را به این مسکر زده و بگویم: پاک است، چون مجتهد اول قائل به طهارت این مسکر است، اما در زمان مجتهد دوم که دست چپم را به این مسکر زدم، حکم کنیم که نجس می‌شود؟

خود پذیرش این هم یک مقداری مشکل است، پذیرش این معنا که یک مایع خارجی واحد، که تا حال با آن معامله طهارت می‌کردیم، اما از این به بعد با همین مایع خارجی معامله نجاست کنیم و بگوییم عنوان نجس دارد.

اشکال وارد بر تفصیل مرحوم سید (ره)

همچنین اشکالی که بر مرحوم سید (ره) وارد می‌شد، که این حیوان که در زمان مجتهد اول ذبح شده و مقداری از گوشت آن را

خوردند و می‌گوییم: مانعی ندارد، حال که مجتهد اول فوت کرده و مجتهد دوم هم فتوا می‌دهد به اینکه چون این حیوان با غیر حدید ذبح شده، عنوان میته دارد و مذکی نیست، پس نمی‌شود آن را خورد.

اینکه بگوییم: آن مقداری از گوشت این حیوان را که خورده عیبی ندارد، اما دیگر حق خوردن بقیه گوشت را ندارد، مقداری التزام به این مشکل است، یا باید به طور کلی با این حیوان مذبوح معامله مذکی کرده بگوییم: حال که بر طبق فتوای مجتهد اول این حکم ظاهری برای این ثابت شد، عنوان مذکی دارد و همین حدوث حکم ظاهری کافی است، یعنی همین که می‌گوییم: عنوان مذکی دارد، تمام می‌شود و تا آخر می‌شود از این گوشت استفاده کرد.

حال مجتهد دوم هم نمی‌تواند حجیت قول مجتهد اول را که نقض کند، بلکه شخص باید نسبت به آینده بر طبق نظر او عمل کند، یعنی اگر حیوان دیگری را به غیر حدید کشتیم، می‌گوییم: عنوان میته دارد.

جریان این اشکال در مثال مسکر

در باب مسکر، یعنی مسکر معین خارجی هم که دستم را به آن زدم، چون بر طبق فتوای مجتهد اول پاک بوده، پس دستم هم پاک است، حال که به مجتهد دوم رجوع کرد که فتوا به نجاست آن داده، همان دست را اگر مجدداً به همان مسکر زدم، باید بگوییم که عنوان نجس دارد.

البته نمی‌خواهیم بگوییم که در باب احکام شرعیه این چیزها ممتنع است، بلکه حکم شرعی و ظاهری، با تغییر مایه تغییر پیدا می‌کند، حرام، حلال می‌شود و حلال، حرام می‌شود، لذا بحث اجتماع ضدین و نقیضین و این حرف‌ها دیگر مطرح نمی‌شود، ولی بالاخره در فقه باید طوری مشی کرد، که مشی صحیحی باشد و التزام به آن ممکن باشد.

اینکه در يك حیوانی بگوییم: با نصف حیوان را که خورده‌اند، معامله مذکی شود و جواز اکل و بیع دارد، اما نسبت به نصف دیگر حیوان که در زمان مجتهد دوم می‌خواهند بخورند، بگوییم که دیگر جواز اکل ندارد، التزام به این خیلی مشکل است، همچنین در مثال مسکر هم همین طور است. در اینجا دیگر روایتی یا چیزی که معیار قرار دهیم نداریم و باید خودمان بر طبق ضوابط معیاری را ارائه دهیم.

جمع بندی استاد محترم نسبت به این بحث

در اینجا باید مقداری دایره را وسیع‌تر کرد، مرحوم سید(ره) دایره‌ای را ذکر کرد، با این معیاری که مرحوم آقای حکیم(ره) و دیگران داده‌اند، دایره وسیع‌تر شد، اما يك مقداری باید وسیع‌تر کرده و بگوییم: باید در هر چیز جدیدی، هر چیزی که عرف می‌گوید: موضوع جدید است و عنوان حادثی دارد، بر طبق نظر مجتهد دوم عمل کرد.

بعد از اینکه سراغ مجتهد دوم رفتیم، حال که مقلد ما عوض می‌شود، باید در هر چیز حادثی سراغ او برویم، یعنی هر چیزی که مربوط به مجتهد اول بوده و در زمان او بوده، نمازهایی که بر طبق فتوای او خوانده‌ایم، درست است، حیوانی که بر طبق نظر او ذبح شده، درست است، ازدواجی که بر طبق نظر او منعقد شده، درست است.

مسکر هم همین طور، اگر مجتهد اول فتوا به طهارت مسکری داده و تا به حال ما با این مسکر معامله طهارت می‌کردیم، اگر مسکر دیگری حادث شد، یعنی اگر مایع دیگری، ولو از همان ماهیت هم باشد، جدیداً حادث شد، از این به بعد می‌شود گفت که

این جدید است و نسبت به آن باید بر طبق مجتهد دوم عمل کنید، اما نسبت به آن مایع قبلی باید بر طبق نظر مجتهد اول عمل کرد.

معیار در رجوع به مجتهد دوم

پس معیار این است که چون – حالا دلیلش هم روشن است – الآن تقلید جدید داریم، نظر عرف در اینجا حاکم است، که می‌گوید: از این به بعد در هر امری که حادث می‌شود، باید از این تقلید کرد و تقلید از این مجتهد دوم در مورد افعال یا موضوعات گذشته نمی‌تواند نتیجه‌ای داشته باشد.

مثلاً در زمان مجتهد اول که فتوا به طهارت مسکر داشت، این مسکر را به در و دیوار جایی رسانده‌اند، به اعتقاد اینکه این پاک است و اشکالی ندارد، خوب حال که مقلد مجتهد دوم شدیم، که فتوا به نجاست مسکر دارد، پس بگوییم: اینها همه نجس است، لذا باید آن دیوار را پاک کرد، اما لزومی ندارد و باید آثار طهارت را بر آن مسکر معین خارجی، که آثار طهارت بر آن بار شد، بار کنیم و همیشه دیگر آثار طهارت بار شود.

باز تکرار می‌کنیم که برای این معیار، حتی معیاری که مرحوم آقای حکیم (ره) گفته‌اند، اینطور نیست که دلیل محکمی از روایات داشته باشیم، بلکه ما وقتی خود مسئله تقلید را ملاحظه می‌کنیم، عناوین وارده در تقلید و ادله تقلید را ملاحظه می‌کنیم و وقتی به عرف هم مراجعه می‌کنیم می‌گویند: از این به بعد باید تبعیت کنید، یعنی در هر موضوع جدید، فعل جدید و در هر عقد جدیدی باید از او تبعیت کرد.

چه فرقی می‌کند بین اینکه اگر عقدي را هم، طبق نظر مجتهد اول به فارسی خواندند، اما مجتهد دوم می‌گوید: این باطل است، همه فقهاء در این جا گفته‌اند که مانعی ندارد و آن عقد کافی است و دیگر نیازی به تکرار ندارد و بین مسکر خارجی که تا به حال با آن معامله طهارت می‌شد، بگوییم از این به بعد باید با همین مسکر خارجی معامله نجاست کنیم؟ این نمی‌شود.

البته این نکته را دقت کنید که در بحث جمع بین حکم واقعی و حکم ظاهری، که حرف‌های زیادی است، می‌گویند: هیچ استیحاşi نکنید که در واقع واجب باشد و در ظاهر حرام و در جمع بین دو یا سه حکم ظاهری هم هیچ استیحاşi نیست، ولی بالاخره آن هم يك دائره‌ای دارد. همین طور نمی‌توانیم بگوییم که این يك دقیقه پیش، ظاهر بود، اما الان نجس شد، نمی‌شود به این ملتزم شد.

لذا باید معیار را همین که عرض می‌کنیم قرار دهیم، که در هر موضوع، فعل و عقد جدیدی باید از مجتهد دوم تقلید کرد، لذا اگر موضوعی در سابق هم بوده، مثل اكل حیوان، به حسب ظاهر حدوث تذکيه کافی است برای اینکه تمام گوشت آن را بشود خورد و می‌تواند طبق همان نظر مجتهد اول عمل کند.

نمی‌خواهیم بگوییم که در احکام فقهی این حرف‌هایی را که امروزی‌ها می‌زنند باید زد، که دین باید رویکرد عقلایی داشته باشد، اینها يك الفاظی می‌گویند که خودشان هم نمی‌فهمند یعنی چه، ما تابع دلیل هستیم، متعبد هستیم و اصلاً معتقدیم که تمام احکام ما وجهه عقلایی دارد، اما خیلی از آنها را نمی‌فهمیم، لکن عرفیت احکام باید محفوظ باشد، یعنی نمی‌توانیم این طور احکام را بیان کرده و بگوییم: این مایع تا به حال پاک بود، اما از این به بعد نجس است، بدون اینکه تغییری در آن ایجاد شود و این تقریباً شبهه لعب به احکام را دارد.

عرف می‌گوید: حال که این با نظر مجتهد اول پاک بود، تا آخر با آن معامله طهارت کنید، اما اگر موضوع، فعل و یا عبادت

جديدي بود، در آن بر طبق نظر مجتهد دوم عمل كنيد.

اين هم تتمه بحث قبل، حالا ان شاء الله روز شنبه مسئله هفدهم تحرير را عنوان مي كنيم.

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين